



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

نمونه سوال  گام به گام

امتحان نهایی  جزوه

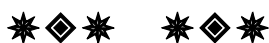
دانلود آزمون های آزمایشی 

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

" متن و ترجمه " درس ۵ عربی زبان قرآن (۱) انسانی



﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ۖ ثُمَّ الْعَنِكَبُوتَ : ۲۰ ﴾
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خداوند] آفرینش را آغاز کرد.



الدَّرْسُ الْخَامِسُ : درس پنجم ص ۴۸

﴿ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ ۖ لَقْمَانُ : ۱۱ ﴾ : این آفرینش خداست .

الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا ، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْوُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ :
غواصانی که شبانه (در یک شب) به اعماق اقیانوس رفتند ، صدها چراغ رنگارنگ را دیدند که نورشان از ماهی های نورانی (درخشان) فرستاده می شد .

وَ تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التَّنَاقُطُ صَوْرَ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ . وَ تَارِيكِي دَرِيَا رَا بَه رُوزِ رُوشَنِي
تبدیل می کردند که در آن غواصان می توانستند عکس هایی را در نورهای این ماهی ها بگیرند .

اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ . دَانِشْمَنْدَانِ كَشَفَ
کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی (درخشان) فرستاده می شود که زیر چشم های آن ماهی ها زندگی می کنند.

هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ . آيَا امكان دارد بشر روزی از آن معجزه دریائی استفاده کند.

وَ يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمَدُنِ ؟ وَ از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد ؟ (استفاده کند)

رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ ، لِأَنَّهُ « مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ . »

چه بسا بتواند آن را انجام دهد (شاید قادر به آن باشد) ؛ برای اینکه هر کس ، چیزی را بخواهد و تلاش کند ، می یابد .

إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِيٌّ دَائِمٌ ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا . بِي گمان زبان گربه یک سلاح پزشکی (داروئی) دائمی (همیشگی) است ، زیرا آن پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده (ضد عفونی کننده) ترشح می کند.

فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمَ .

و گربه زخمش را چند بار می لیسد تا بهبود یابد.

إِنَّ بَعْضَ الطَّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّيِّبَةَ .

بی گمان بعضی از پرندگان و حیوانات با غریزه شان گیاهان داروئی را می شناسند.

وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلَفَةِ .

و می دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری (جلوگیری) از بیماری های مختلف بکار ببرند (استفاده کنند)

وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّيِّبَةِ لَكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا .

و این حیوانات انسان را به خواص (خاصیت های) پزشکی بسیاری از گیاهان خشکی (صحرائی) و غیر آن ، راهنمایی کرده اند.

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعَجَّةِ خَاصَّةً بِهَا . بى گمان بیشتر حیوانات علاوه بر داشتن زبانی ویژه خود

تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا . ، یک زبان عمومی دارند که با آن می توانند (سخن) یکدیگر را بفهمند (همدیگر را درک کنند)

فَلِلْعُرَابِ صَوْتُ يُحْدِرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ سَرِيعاً عَنْ مَنَاطِقَةِ الْخَطَرِ . کلاغ صدایی دارد که با آن به سایر حیوانات هشدار می دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند .

فَهُوَ مَنَزِلَةٌ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ . و آن (او) به مانند جاسوسی از جاسوسان جنگل است.

(لِبَلْبَةِ غَدَّةٍ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا تَنْشُرُهُ عَلَى جِسْمِهَا فَلَا يَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ . اردک غده ای نزدیک دمش دارد که حاوی دربردارنده) روغنی ویژه است که آنرا روی بدنش پخش می کند در نتیجه (بنابراین) تحت تأثیر آب قرار نمی گیرد.

تَسْتَطِيعُ الْحَرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا . آفتاب پرست می تواند چشمانش را در جهت های مختلف بچرخاند بدون آنکه سرش را تکان (حرکت) دهد ،

و هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ .

و او می تواند در یک زمان (آن واحد) ، دو جهت را ببیند (به دو سمت نگاه کند) .

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جِهَةٍ . چشم جغد حرکت نمی کند ، پس آن ثابت و بی حرکت است ، اما او این کمبود (نقص) را با حرکت دادن سرش به هر طرف (در هر سمتی) جبران می کند

و تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مَتْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا .

و می تواند که سرش را ۲۷۰ درجه بچرخاند بدون آنکه بدنش را حرکت دهد .



" الْمُعْجَم " ص ۵۰



إِبْتَعَدَ : دور شد	بوم ، بومَة : جغد	سائل : مایع
« حَتَّى تَبْتَغِدَ : تا دور شود »		
اتِّجَاه : جهت	تَأَثَّرَ : تحت تأثیر قرار گرفت	ضوء : نور « جمع : أضواء »
أَدَارَ : چرخاند ، اداره کرد	تَحْتَوِي : در بر دارد	ظلام : تاریکی
« أَنْ تُدِيرَ : که بچرخاند »		
أَنْ تَرَى : که ببیند	تَحَرَّكَ : حرکت کرد	عَوَّضَ : جبران کرد
اسْتَفَادَ : بهره برد	تَنْشُرَ : پخش می کند	قَط : گربه
« أَنْ يَسْتَفِيدَ : که بهره برد »		

إِضَافَةٌ إِلَى : افزون بر	جَرَحَ : زخم	لَعِقَ : لیسید
أَعْشَابٌ طَبِيبَةٌ : گیاهان دارویی « مفرد : عُشْبٌ طَبِیّ »	حَرَكٌ : حرکت داد	مَضَى : نورانی
أَفَرَزَ : ترشح کرد	حَوَّلَ : تبدیل کرد	مَطَهَّرَ : پاک کننده
الْتَأَمَ : بهبود یافت « أَنْ يَلْتَمَ : تا بهبود یابد »	حَرَبَاءُ : آفتاب پرست	وَقَايَةً : پیشگیری
التِّقَاطُ صَوْرٌ : عکس گرفتن	دَلَّ : راهنمایی کرد	مَلَكٌ : مالک شد ، دارد ، فرمانروایی کرد
إِنَارَةٌ : نورانی کردن	دَوَّنَ أَنْ : بی آنکه « دَوَّنَ أَنْ تُحَرَّكَ : بی آنکه حرکت بدهد »	يَسْتَطِيعُ : می تواند
بَرِيٌّ : خشکی ، زمینی	ذَنَبٌ : دُم « جمع : أَذْنَابُ »	يَسْتَعِينُ بِ : از ... یاری می جوید
بَطٌّ ، بَطَّةٌ : اردک	زَيْتٌ : روغن « جمع : زُيُوتُ »	يَنْبَعِثُ : فرستاده می شود
بَكْتِيرِيَا : باکتری	سَارَ : حرکت کرد ، به راه افتاد	

❖ ❖ ❖ ❖ ❖
" حول النص " ص ۵۰

❖ ❖ ❖ ❖ ❖

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطِئِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. ☒ ☐

(۱) لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يُحَدِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعدَ عَنِ الْخَطَرِ. غلط

ترجمه : زرافه صدایی دارد که به حیوانات هشدار می دهد تا از خطر دور شوند .

(۲) تُحوِّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةَ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ. صحیح

ترجمه : ماهی های درخشان تاریکی دریا را به روز روشن تبدیل می کنند .

(۳) تَسْتَطِيعُ الْحَرَبَاءُ أَنْ يُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ فَقَطْ. غلط

ترجمه : آفتاب پرست می تواند چشمانش را فقط در یک جهت بچرخاند .

(۴) لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مَطَهَّرًا. صحیح

ترجمه : زبان گربه پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده ترشح می کند.

(۵) لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ. غلط

ترجمه : حیواناتی آبی در اعماق اقیانوس زندگی نمی کنند .

٦) يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ. غلط

ترجمه : سر جغد در یک سمت حرکت می کند .



" اَعْلَمُوا " الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ وَالْجُمْلَةُ الْاِسْمِيَّةُ " ص ٥١



به جمله « يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ » « جمله فعلیه » گفته می شود ؛ زیرا با فعل شروع شده است. الگوی جمله فعلیه این است :
يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.

فعل فاعل مفعول

دو جمله « اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ » و « اللَّهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ » با اسم شروع شده اند. به چنین جمله هایی « جمله اسمیه » گفته می شود. الگوی جمله اسمیه این است : اللَّهُ يَغْفِرُ.

مبتدا خبر

به جمله « اللَّهُ عَالِمٌ » جمله اسمیه گفته می شود ؛ زیرا با اسم شروع شده است.
مبتدا و خبر تقریباً همان نهاد و گزاره در دستور زبان فارسی اند.
مبتدا ، اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می آید و درباره آن خبری گفته می شود.
خبر ، بخش دوم جمله اسمیه است و درباره مبتدا خبری می دهد.
شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می کند.



" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ١ " ص ٥٢



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفَعْلِيَّةِ وَالْجُمْلَةِ الْاِسْمِيَّةِ ، ثُمَّ اذْكُرِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ .

١- ﴿ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ﴾ : النور : ٢٤

ترجمه : خدا برای مردم مثال ها می زند.

پاسخ : يَضْرِبُ : فعل / اللَّهُ : فاعل / الأمثال : مفعول = جمله فعلیه

٢- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ . أمير المؤمنين (ع)

ترجمه : تباه کردن فرصت اندوه است.

پاسخ : إِضَاعَةُ : مبتدا / غُصَّةٌ : خبر = جمله اسمیه



منظور از « عَيْنِ الْمَحَلِّ الْاِعْرَابِيِّ » فقط تعیین نقش کلمه در جمله است ؛ مانند مبتدا ، خبر ، فاعل ، مفعول ، مضاف الیه ، صفت و ...



کتاب کمک درسی عربی زبان قرآن (۱) پایه " دهم انسانی " درس پنجم محمد باقر بهروزی

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول ، صفت یا مضاف الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند ؛ مثال :

صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ . سینه های آزادگان گورهای رازهاست. **صُدُور** : سینه ها **أَحْرَار** : آزادگان

مبتدا / مضاف الیه / خبر / مضاف الیه

يَزْرَعُ الْقَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ النَّفَّاحِ . کشاورزِ کوشا درختان سیب می کارد.

فعل / فاعل / صفت / مفعول / مضاف الیه

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ " ص ۵۲

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

۱- **الْحَسَدُ** يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ ، كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ **الْحَطَبَ** . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : حسادت نیکی ها را می خورد ، همان طور که آتش هیزم رو می خورد .

پاسخ : **الْحَسَدُ** : مبتدا / **النَّارُ** : فاعل / **الْحَطَبَ** : مفعول

۲- مَا قَسَمَ **اللَّهُ** لِلْعِبَادِ **شَيْئًا** أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : خدا چیزی را بهتر از عقل برای بندگان تقسیم نکرده است .

پاسخ : **اللَّهُ** : فاعل / **شَيْئًا** : مفعول

۳- **مَهْرَةُ الْعِلْمِ** **إِخْلَاصُ الْعَمَلِ** . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه : میوه دانش اخلاص در عمل است .

پاسخ : **مَهْرَةُ** : مبتدا / **إِخْلَاصُ** : خبر

" حوار " ص ۵۳

(مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)

با راننده تاکسی

السَّائِقُ : جهانگرد	سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ : راننده تاکسی
أَيُّهَا السَّائِقُ ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ . ای راننده می خواهیم که به مدائن بروییم .	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ . تَفَضَّلُوا . من در خدمتتان هستم بفرمایید .

كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ ؟ از بغداد تا آنجا چقدر فاصله است ؟	أُظُنُّ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا. فکر می کنم ۳۷ کیلومتر عَجِيبٌ ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ ؟ عجیب است چرا به مدائن می روید؟
لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى ؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ ؟! برای زیارت مرقد سلمان فارسی و دیدن طاق کسری ؛ چرا تعجب می کنی ؟	لَأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ. زیرا فقط تعداد کمی از زائران به مدائن می روند .
فِي الْبِدَايَةِ تَشْرَفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمَدِينِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ. ابتدا به زیارت عتبات مقدسه در چهار شهر کربلاء و نجف و سامراء و کاظمین مشرف شدیم .	زِيَارَةُ مَقْبُولَةٍ لِلْجَمِيعِ! أَ تَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيِّ أَمْ لَا ؟ زیارت همگی قبول باشه ! آیا می دانی سلمان فارسی کیه یا نه ؟
نَعَمْ ؛ أَعْرِفُهُ ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ. بله او را می شناسم ، او از یاران پیامبر (ص) است و اصلیتش اصفهانی است.	أَحْسَنْتَ ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كِسْرَى ؟ آفرین بر تو ! و آیا اطلاعاتی درباره طاق کسری داری ؟
بِالتَّأَكُّيدِ ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. البته ؛ آن یکی از قصرهای پادشاهان ساسانی قبل از اسلام است .	مَا شَاءَ اللَّهُ ! مَا شَاءَ اللَّهُ . بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ ! آفرین بر تو . مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ ! اطلاعاتت زیاد است .
قَدْ أُنْشِدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى : الْبَحْتُريّ مِنْ أَكْبَرِ شُعَرَاءِ الْعَرَبِ ، وَ خَاقَانِيّ ، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيّ. دو شاعر بزرگ هنگام مشاهده شان از ایوان کسری دو قصیده سروده اند . بحتری از بزرگترین شاعران عرب ؛ و خاقانی شاعر ایرانی .	



بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ : آفرین بر تو

قَدْ أُنْشِدَ : سروده است



" التَّمَارِينُ ۱ " ص ۵۴



التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ ؟

۱- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِينِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.

ترجمه : پرنده ای که در جاهای متروکه (خرابه - خالی از سکنه) زندگی می کند در روز می خوابد و در شب خارج می شود .

پاسخ : بوم : جغد

۲- عَضُوٌّ فِي جِسْمِ الْحَيَوَانِ يَحْرُكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ.

ترجمه : عضوی در بدن حیوان که معمولاً آنرا برای راندن حشرات حرکت می دهد .

پاسخ : ذَنْب : دُم

۳- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.

ترجمه : گیاهانی مفید برای درمان که مانند دارو از آنها استفاده می کنیم .

پاسخ : أَعْشَابٌ طَبِیَّةٌ : گیاهان دارویی

۴- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَالْمَاءِ.

ترجمه : پرنده ای که در خشکی و آب زندگی می کند .

پاسخ : بَطٌ : اُردک

۵- عَدَمُ وُجُودِ الضَّوِّ.

ترجمه : نبودنِ نور

پاسخ : ظَلَامٌ : تاریکی

۶- نَشْرُ النُّورِ.

ترجمه : پخشِ نور

پاسخ : إِنْارَةٌ : نورانی کردن

*** **

" التمارین ۲ " ص ۵۵

*** **

الْتَّمَرِینُ الثَّانِی : عِینُ الْکَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ. =

سَلَمٌ ≠ حَرْبٌ (صلح / جنگ)	اِسْتِطَاعَ = قَدِرَ (توانست)
اِحْسَانٌ ≠ اِسَاءَةٌ (نیکی / بدی)	اِقْتَرَبَ ≠ اِبْتَعَدَ (نزدیک شد / دور شد)
ظَلَامٌ ≠ ضِیَاءٌ (تاریکی / نور)	فَارِغٌ ≠ مَمْلُوءٌ (خالی / پر)
نُفَايَةٌ = زُبَالَةٌ (زباله)	اُغْلِقَ ≠ فَتَحَ (بست / باز کرد)
حَجَرَةٌ = عُرْفَةٌ (اتاق)	عَیْمٌ = سَحَابٌ (ابر)

قَدَفَ = رمی (انداخت ؛ پرت کرد)	قَرَبَ ≠ بَعَدَ (نزدیک شد / دور شد)
قَرِحَ ≠ حَزِنَ (شاد / غمگین)	مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءَ (لطفاً)
سَائِلٌ ≠ جَامِدٌ (مایع / جامد)	جَاهِزٌ = حَاضِرٌ (آماده)



" التمارین ۳ " ص ۵۶



۱- التَّمَرِینُ الثَّالِثُ : اُكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

الْبَطُّ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الْحِرْبَاءُ / الْبَقَرَةُ

۱- تُعْطِي الْبَقَرَةُ الْحَلِيبَ. **گاو** شیر می دهد .

الْفَاعِلُ : الْبَقَرَةُ / الْمَفْعُولُ : الْحَلِيبُ

۲- يُرْسِلُ الْغُرَابُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ . **کلاغ** خبرهای جنگل را می فرستد .

الْفَاعِلُ : الْغُرَابُ / الْمَفْعُولُ : أَخْبَارُ / الْمُضَافُ إِلَيْهِ : الْغَابَةُ .

۳- ذَنْبُ الطَّاوُوسِ جَمِيلٌ . دم **طاووس** زیبا است .

الْمُبْتَدَأُ : ذَنْبُ / الْمُضَافُ إِلَيْهِ : الطَّاوُوسُ / الْخَبَرُ : جَمِيلٌ .

۴- الْحِرْبَاءُ ذَاتُ عُيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ . **آفتاب پرست** دارای چشمانی متحرک است .

الْمُبْتَدَأُ : الْحِرْبَاءُ / الْخَبَرُ : ذَاتُ / الْمُضَافُ إِلَيْهِ : عُيُونٍ / الصِّفَةُ : مُتَحَرِّكَةٍ

۵- الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِالْكِلَابِ . پلیس امنیت را با **سگ ها** حفظ می کند .

الْمُبْتَدَأُ : الشَّرْطِيُّ / الْخَبَرُ : يَحْفَظُ / الْمَفْعُولُ : الْأَمْنُ / جَارٌ وَ مَجْرُورٌ : بِالْكِلَابِ .

۶- الْبَطُّ طَائِرٌ جَمِيلٌ . **اردک** پرنده ای زیبا است .

الْمُبْتَدَأُ : الْبَطُّ / الْخَبَرُ : طَائِرٌ / الصِّفَةُ : جَمِيلٌ .



" التمارین ۴ " ص ۵۷



۱- التَّمَرِینُ الرَّابِعُ : عَيِّنِ الْفَاعِلَ وَ الْمَفْعُولَ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

۱- ﴿ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴾ الْفَتْحُ : ۲۶

ترجمه : خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و مومنان فرو فرستاد .

پاسخ : اللَّهُ : فاعل / سَكِينَةً : مفعول

۲- ﴿ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ﴾ الْأَعْرَافُ : ۱۸۸

ترجمه : من مالک سود و زیان خویش نیستم ، مگر آنچه را خدا بخواهد .

پاسخ : نَفْعًا : مفعول

۳- ﴿ وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ ﴾ یس : ۷۸

ترجمه : و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد .

پاسخ : مَثَلًا : مفعول / خَلَقَ : مفعول .

۴- ﴿ وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴾ الْكَهْفُ : ۴۹

ترجمه : پروردگارت به کسی ستم نمی‌کند.

پاسخ : رَبِّ : فاعل / أَحَدًا : مفعول .

۵- ﴿ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ ﴾ الْبَقَرَةُ : ۱۸۵

ترجمه : خدا برای شما آسانی می‌خواهد .

پاسخ : الْيُسْرَ : مفعول .



يُسْرَ : آسانی

ضَرَّ : زیان

سَكِينَةً : آرامش



" التمارین ۵ " ص ۵۷



الْتَّمَرِينَ الْخَامِسُ : عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

۱- أَلْنَدَمُ عَلَى السَّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ

نَدَمَ : پشیمانی

ترجمه : پشیمانی بخاطر سکوت بهتر از پشیمانی بخاطر سخن گفتن است .

پاسخ : أَلْنَدَمُ : مبتدا / خَيْرٌ : خبر .

۲- أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالْدَّمُّ . رَسُولُ اللَّهِ

حُمُقٌ : نادانی / دَمٌ : نکوهش

ترجمه : بزرگترین نادانی ، زیاده روی در تعریف و نکوهش است .

پاسخ : أَكْبَرُ : مبتدا / الْإِغْرَاقُ : خبر.

۳- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه: بزرگ و سرور قوم، خدمتگزارشان (خدمت رسان شان) در سفر است.

پاسخ: سَيِّدٌ: مبتدا / خَادِمٌ: خبر

۴- الْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ. رَسُولُ اللَّهِ

قَيْدٌ: بند

ترجمه: دانش شکار (طعمه) است و نوشتن بند (به زنجیر کشیدن) است.

پاسخ: الْعِلْمُ: مبتدا / صَيْدٌ: خبر / الْكِتَابَةُ: مبتدا / قَيْدٌ: خبر

۵- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه: نماز کلید هر خیری است.

پاسخ: الصَّلَاةُ: مبتدا / مِفْتَاحٌ: خبر



" التمارين ۶ " ص ۵۸



التَّيْمِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ. (مبتداً و خبر و فاعل و مفعول و مضاف إليه)

۱- ﴿ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ ﴾ الْبَقَرَةُ: ۴۴ بَرٌّ: نیکی

ترجمه: آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خودتان را فراموش می کنید؟

پاسخ: الناس: مفعول / أَنْفُسٌ: مفعول.

۲- ﴿ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶ نَفْسًا: کسی

ترجمه: خداوند کسی را، جز به اندازه توانش، تکلیف نمی کند.

پاسخ: الله: فاعل / نَفْسًا: مفعول.

۳- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه: محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا، سودمندترین شان بر بندگان اوست.

پاسخ: أَحَبُّ: مبتدا / عِبَادِ: مضاف إليه / أَنْفَعُهُمْ: خبر.

۴- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتَرْفِجُ النَّسَبَ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ

ترجمه: نیکویی تربیت، بدی اصل و نسب را می پوشاند.

پاسخ: الْأَدَبِ: مضاف إليه / يَسْتَرْفِجُ: مفعول.

۵- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ

ترجمه: دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

پاسخ: عَدَاوَةُ: مبتدا / الْجَاهِلِ: مضاف إليه.